



گفت و گو

محسن وظیفه
خبرنگار

یکی از استثنای تاریخ کشتی فرنگی ایران حسن رنگرز است؛ کسی که با یک طلا و برنز توانست نام خود را بر سر زبان‌ها بیندازد. آن هم در روزهایی که کشتی فرنگی توان گرفتن مدال طلا در قهرمانی آسیا را هم به سختی پیدا می‌کرد اما حالا این چهره استثنایی به عنوان سرمربی انتخاب شده و قرار است که در المپیک هدایت تیم ملی را برعهده داشته باشد اما او رؤیای بزرگی دارد. او در این المپیک به دنبال کنار زدن حسرت طلایی شدن است. او می‌گوید بزرگ‌ترین رؤیایش رسیدن به ۴ طلای المپیک است.

در عرصه قهرمانی یکی از کشتی‌گیران مطرح ایران بودی و البته شاید هم بدشانس. حالا در قامت سرمربی شاید بتوانی تعریف بهتری از دوران قهرمانی داشته باشی.

دوران قهرمانی و کشتی‌گیری سراسر پر از ریاضت، سختی و زنج است و به هر شکل کشتی‌گیر باید به یک سرسختی ذهنی برسد. باید درد وقت گذاشتن، تعهد، سختکوشی را به جان بخرد تا نامش را مانا کند. مسیرو ورزش قهرمانی، مسیرو سنگلاخی و پراز موانع است ولی وقتی به انتهای مسیری می‌رسند، مثل صعود به قله کوه می‌ماند و وقتی یک ورزشکار به قهرمانی می‌رسد و به گذشته می‌نگرد، متوجه می‌شود که این قهرمانی ارزش آن همه سختی را داشته است. همانند وقتی که از یک کوهنوردی سخت برمی‌گردد و در هنگام بازگشت با آرامش و راحتی به سختی‌های مسیروفت نگاه می‌کند.

و همین باعث می‌شود که قهرمانان ورزشی، چهره خاصی هستند. دوران قهرمانی، مسیرو زندگی و حتی شخصیت افراد را تغییر می‌دهد و باعث می‌شود که افراد در سایر بخش‌های زندگی هم چهره‌های موفق‌تری باشند. و شاید همین شاخصه زندگی قهرمانی باعث شد که خیلی زود وارد عرصه مدیریت شوی؟ فقط من نبودم؛ رسول خادم، امیررضا خادم، علیرضا دبیر، عباس جدیدی و خیلی‌های دیگر از قهرمانان بزرگ کشتی بودند اما وارد عرصه سیاست شدند و بعضاً در این عرصه هم افراد موفق‌تری بودند.

ولی خیلی زود از عرصه قهرمانی کنار رفتی. یک طلا و یک برنز جهان آن هم در روزهایی که در عرصه جهانی حرفی برای گفتن نداشتیم.

مجموعه‌ای از دلایل و اتفاقات دست به دست هم داد تا زود از عرصه کشتی بروم اما خدا را شکر می‌کنم. امروز که نگاه می‌کنم اعتقاد دارم که لطف خدا شامل حال من شده و از

این بابت شاکر هستم. همه تلاش‌م را کردم تا بهترین باشم.

یک طلا و برنز جهان احتمالاً می‌شد که بهتر و بیشتر هم باشد.

هر چیزی که برایم رقم خورد تقدیر الهی بود. برایم شیرین بود، هم بردهایی که آوردم شیرین بود و هم باخت‌هایم مهم بود. شاید در بعضی جاها هم اشتباهات فنی داشتم اما الان که به گذشته نگاه می‌کنم راضی هستم.

هنوز هم جهانی ۲۰۰۲ و مسابقه نیمه نهایی برای علاقه‌مندان به کشتی سؤال است.

چطور آن مسابقه را باختی؟

اتفاق بسیار دردناکی برای من بود. شاید الان که به آن روزها فکر می‌کنم بیشتر درد می‌کشم. چرا که آن موقع فکر می‌کردم در سال‌های بعدی می‌توانم آن باخت را جبران کنم اما هرگز این فرصت و شانس را پیدا نکردم. بیش از دو دهه از آن ماجرا گذشته و هنوز هم وقتی این کشتی‌گیر را در تورنمنت‌های بین‌المللی می‌بینم، یاد آن روز عجیب می‌افتم.

شاید اینکه می‌گویند باید قدر لحظات را دانست را بهتر از هر کسی درک می‌کنی.

به هر حال خیلی از آن ماجرا گذشت ولی برایم درس عبرت بزرگی شد. من واقعاً این جمله را زندگی کردم.

یک حسرت بزرگ برای تو شد.

حسرت بزرگ‌تری را هم در سال‌های بعد تجربه کردم. بزرگ‌ترین آرزوی من حضور در المپیک و کسب طلای المپیک بود اما هرگز به آن نرسیدم و این برای من خیلی تلخ شد. حضور در المپیک و کسب مدال طلای المپیک بزرگ‌ترین آرزو و مهم‌ترین اتفاق هر ورزشکار حرفه‌ای است ولی این موفقیت مهم را نتوانستم تجربه کنم. با توجه به توان فنی که در آن زمان داشتم حضور در بازی‌های آسیایی و طلای المپیک را حق خودم می‌دانستم اما به بزرگ‌ترین حسرت ورزشی‌ام تبدیل شد. و حالا در نقش سرمربی در آستانه حضور در المپیک هستی؟

من فکر نمی‌کنم که موفقیت در المپیک و کسب مدال طلا توسط کشتی‌گیران در این رویداد بزرگ کمتر از طلای خودم باشد. یعنی در این حد واقعاً خوشحال می‌شوی؟

نزدیک به دو دهه است که کشتی فرنگی ایران به موفقیت‌های کم‌نظیری در سطح جهان رسیده و حالا بزرگ‌ترین آرزوی من در حال حاضر تکرار این موفقیت‌ها است.

به رؤیای دوران قهرمانی که نرسیدی، فکر می‌کنی به رؤیای دوران مربیگری برسی؟

رؤیای من در عرصه مربیگری کسب ۴ مدال طلای المپیک است.

یعنی عبور از رکورد محمد بنا؟

نه موضوع این نیست. من نگاهم در عرصه مربیگری مثل مسابقات دوی ۴۰۰ متر است. چوب را از محمد بنا تحویل گرفتم و باید به بهترین شکل ممکن دیر یا زود به فرد بعدی تحویل بدهم. بار امانتی را به دوش کشیدم و باید امانتدار خوبی باشم. جمله شما یعنی به فکر ثبت یک رکورد جدید هستی، این توقع زیادی را به وجود می‌آورد.

تمام توان و تمرکز من این است که امانتدار خوبی باشم. به چیز دیگری فکر نمی‌کنم اما اگر توقعی وجود دارد و این توقع از جانب مردم است که مطالبه‌جویی است و باید مثل یک سرباز برای تحقق مطالبه آنها تلاش کنیم اما اگر از جانب کارشناسان و مسئولان است که بحث فرق می‌کند.

چون هیچ وقت المپیک‌های فکر نکردیم و هیچ وقت برای حضور در بازی‌های المپیک برنامه‌ریزی نکردیم. همیشه به فکر مسابقات جهانی بودیم. مدال بگیریم و خوش بدرخشیم و المپیک فدای جهانی شده است. باید نگاه خود را تغییر بدهیم، باید المپیک‌های فکر کنیم.

ولی حالا در آستانه المپیک همه نگاه‌ها به سوی کشتی است.

کشتی‌کلا در تمام دوره‌ها ۱۱ طلا گرفته که فقط ۴ طلا سهم کشتی فرنگی بوده. کشتی فرنگی هم یک خط در میان طلای المپیک را گرفته.

این حرف یعنی در المپیک خبری از طلا نیست؟

نه من چنین حرفی نزدم ولی می‌گویم باید شرایط را درک کرد. برنامه‌ریزی واردی و تدارکات به بهترین شکل انجام شده اما المپیک رویداد دیگری است.

می‌توانی کشتی فرنگی الان را با دوره خودت آن مقایسه کنی؟

کشتی فرنگی در دوره ما با الان اصلاً قابل قیاس نیست. دوره ما اعتماد به نفس نداشتیم. الان کشتی‌گیر ۲۰ ساله با توقع کسب مدال طلای جهان به اردو می‌آید اما آن موقع کسی جرأت فکر کردن به مدال را نداشت. تمرینات، برنامه‌ریزی و امکانات همه چیز تغییر کرده است.

اگر بخواهی ترکیبی رؤیایی بچینی کدام نفرات را انتخاب می‌کنی؟

به نظر من در وزن ۵۵ کیلوگرم حمید سوریان بهترین تاریخ است اما اگر بخواهم تیم المپیک بچینم باید بگویم که در وزن ۶۰ کیلوگرم امید نوروزی، در وزن ۶۷ کیلوگرم محمدرضا گرایسی، در وزن ۷۷ کیلوگرم محمدعلی گرایسی، در وزن ۸۷ کیلوگرم طالب نعمت‌پور، در وزن ۹۷ کیلوگرم ترافیک داریم. هادی ساروی که الان با چهار مدال جهانی و المپیک بهترین است و در کنار او بابک قربانی و امیرعلی اکبری و قاسم رضایی که با دو مدال المپیک پرافتخارترین فرنگی‌کار تاریخ است. در وزن ۱۳۰ کیلوگرم امین میرزازاده بهترین کشتی‌گیر سنگین وزن است.

درباره نسل دوره شما که فقط دو مدال جهانی هم گرفت حرف زیاد بود. محمد بنا اعتقاد داشت که نسل شما مدال‌های بیشتری باید می‌گرفت.

نسل کشتی فرنگی که بعد از نسل سیم‌خواه و چمن‌گلی آمد، واقعاً شایستگی فراوانی داشت ولی به حق فنی خود نرسیدند. شاید خیلی‌ها در آن تیم از من بهتر بودند اما نتوانستند به حق خود برسند.